

اخبار فرهنگی

بیت رهبری ثبت ملی می شود

معاون میراث فرهنگی گفت: با رهبر معظم انقلاب برای ثبت ملی بیت رهبری که مورد حمله رژیم صهیونیستی و آمریکا قرار گرفت، مکاتبه کرده‌ایم



و قرار است بیت رهبری ثبت ملی شود. علی‌داریی دیروز در نشست تخصصی کیهان فرهنگ در مه اودگی جنگ، صیانت از میراث تمدنی در برابر تهاجم و بازخوانی مسئولیت‌های بین المللی که در کاخ گلستان برگزار شد، اظهار داشت: مکان رویدادهایی که مورد حمله قرار گرفته به سرعت در حال ثبت است. وی افزود: باید با روایتگری جنایت‌های صورت گرفته توسط قدرت‌های اتمی دنیا که چهار هزار نفر را به‌شهادت رساندند. ابعاد این جنایت را به دنیا نشان دهیم. دارایی تاکید کرد: برگزاری برنامه‌های معاونت میراث فرهنگی در سطح ملی و جهانی بدون روایتگری جنگ ممنوع است. در برنامه‌های روز جهانی میراث و موزه‌ها باید به موضوع جنگ پرداخته شود. باید روایت درستی انجام دهیم. ما وظیفه حفاظت، مرمت و روایتگری را داریم. علیرضا ایزدی مدیر کل دفتر ثبت آثار تاریخی و حفظ و احیای میراث معنوی و طبیعی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی نیز در این نشست از ثبت مدرسه میناب و تجمعات خودجوش مردم برای دفاع از مینهن در لاهه خبر داد.

■ ■ ■

یک ایرانی داور جشنواره کن شد

علی عسگری، سینماگر ایرانی به‌عنوان یکی از ۵ عضو هیات داوران بخش فیلم کوتاه و سینه فونداسیون هفتاد و نهمین جشنواره فیلم کن انتخاب



شد. به گزارش ایسنا، کارلا لاسیون، فیلمنامه‌نویس و کارگردان اسپانیایی ریاست هیات داوران بخش فیلم‌های کوتاه و سینه فونداسیون (فیلم‌های دانشجویی) در هفتادونهمین جشنواره کن را بر عهده خواهد داشت و در کنار او، یسارک جی-مین (باز یگر و هنرمند تجسمی اهل کره‌ای)، علی عسگری (کارگردان، فیلمنامه‌نویس و تهیه‌کننده ایرانی)، سلیم کشیوش (باز یگر و کارگردان فرانسوی) و مگنسون فون هورن (کارگردان و فیلمنامه‌نویس سوئدی) حضور خواهند داشت. این هیات داوران ۱۰ فیلم حاضر در بخش رقابتی فیلم فیلم ۱۹ فیلم منتخب بخش سینه فونداسیون را داوری می‌کنند و به‌طور مشترک نخل طلای فیلم کوتاه و سه جایزه بخش سینه فونداسیون را اعطاء خواهند کرد. به گزارش وب‌سایت رسمی جشنواره کن، علی عسگری یکی از چهره‌های برجسته سینمای ایران است. آثار او تصویری دقیق از جامعه معاصر ایران ارائه می‌دهند. از فیلم‌های کوتاه او می‌توان به «بیش از دو ساعت» (۲۰۱۳) که در کن انتخاب شد، «چپه» (۲۰۱۴) و «سکوت» (۲۰۱۶) نام برد که در بخش رقابتی نخل طلای فیلم کوتاه حضور داشت. اولین فیلم بلند او با عنوان «تا پدید شدن» (۲۰۱۷) در برنامه روز پنجم جشنواره کن بود. او بعدها فیلم‌های «تافر دا» (۲۰۲۲) و «ایات زمینی» (۲۰۲۳) را به‌صورت مشترک کارگردانی کرد که در بخش «کمدی الهی» (۲۰۲۵) بود که در جشنواره فیلم ونیز به نمایش درآمد.

■ ■ ■

۷ مدرسه ایرانی در امارات و کویت تعطیل شد

وزارت آموزش و پرورش از تعطیلی هفت مدرسه ایرانی در امارات متحده عربی و کویت خبر داد. فرهادی سخنگوی وزارت‌خانه، گفت: برخی از دانش‌آموزان این مدارس ذیل سرپرستی مدارس ایرانی در عمان و برخی دیگر تحت نظارت مستقیم مدارس داخلی ایران، آموزش‌های خود را به‌صورت غیر حضوری دریافت می‌کنند. هدف این است که تحت هیچ شرایطی وقفه در تحصیل فرزندان ایران ایجاد نشود.

■ ■ ■

تولید ۱۷ اثر موسیقایی جدید برای جنگ

مرکز شعر، موسیقی و سرود سازمان صداوسیما از انتشار آهنگ‌ها و نمایش‌های مختلف با موضوع شهدا و جنگ تحمیلی سووم خبر داد. به گزارش ایلنا، «ایران نم»، «لقبای شهادت» و «مارش فتح» از جمله ۱۷ اثر جدید مرکز شعر، موسیقی و سرود سازمان صداوسیماست که با موضوع حماسی ملی میهنی، رهبر شهید و شهیدان و جنگ تحمیلی سوم منتشر شده است. تولید هشت ناهنگ و دو مستند کلمه نیز شامل این آثار محسوب می‌شوند. شاعرانی چون محمدمهدی سیار، محمد مودب، و خوانندگانی چون محمد معتمدی و حامد زمانی با این آثار همکاری داشته‌اند. همچنین ۱۷ اثر در استان‌ها تولید و به این مرکز ارسال شده است.

■ ■ ■

فصل سوم «بامداد خمار» ساخته تر گس آبیار هفته گذشته کلیدخورد و هم‌اکنون گروه تولید کننده مشغول تصویربرداری هستند. به



گزارش ایرنا، تصویربرداری فصل دوم سریال «بامداد خمار» مدت‌ها پیش به پایان رسیده و تدوین نیمی از قسمت‌ها نیز انجام شده است. هم‌اکنون فصل دوم قابل پیش‌است و زمان انتشار آن به نظر بلنفرم منتشر کننده، شیدا بستگی دارد. فصل یک شامل ۱۳ قسمت بود که آخرین قسمت آن اوایل دی‌ماه منتشر شد. از پایان فصل یک بیش از ۴ ماه می‌گذرد و همین مساله باعث واکنش اعتراض‌آمیز مخاطبانی شده که منتظر آغاز فصل دوم هستند. رضا کینایان، علی مصفا، گلاب آدینه، ترلان پروانه، نوید نورفرج، بهناز جعفری، پرورش نظر، به احترام سادات برومند، زینت غفاری، گلاره عباسی، بهوش یختیاری، کاظم هزیر آزاد و... ساز جمله بازیگران سریال «بامداد خمار» هستند.

درباره نمایش «لوله» به کارگردانی علیرضا اجلی

کارگران مشغول کار و تعدیل‌اند



محمدحسین خدایی

به تماشای تئاتر نشستند در میانه آتش پس‌شککننده جنگ، به راستی که تجربه حیرتانگیزی است. جنگی که مردم عادی، در شروع و پایانش عاملیتی نداشته‌و این «تعلیق» است که همه چیز را نگ و بویی تازه بخشیده و تاب‌آوری آدم‌ها را با محک سخت‌زندگی سنجه کرده است. به هر حال بعد از نهم اسفند ۱۴۰۴ و آغاز جنگی ویرانگر، با آن‌که روال عادی امروز به مدار قبل بازگشته و سردرگمی، سکه رایج زندگی روزمره شده، خیر اجرا رفتن چند نمایش می‌تواند توامان شادی آفرین و محدود، می‌تواند تاحدودی تعجب‌برانگیز باشد. این‌که بتوان از ملال و مهابت‌زمانه، اندکی خلاص شد و به سمت سالن نمایش رفت، انگیزه و تلاش فراوان می‌خواهد. اما کیست که نداند از پس دو جنگی که از سر گذرانیم، نسبت بدن‌های ما تماشاگران با صحنه نمایش و بازیگران، نمی‌تواند همان باشد که مقابل جنگ بوده‌است. شرط عقل و احساس می‌گوید که چیزهایی تغییر باید تغییر کرده باشد؛ احساسات و عواطف ما انسان‌ها که خشونت جنگ را تجربه کرد. در نتیجه و به هنگام تماشای اجرایی که به نوعی باز تولید کارهای گذشته‌اند می‌باشست بی رغب فگفتی و پاکیزگی شان است. برقرار می‌کنند توجه کرد و نگاه انتقادی را مد نظر داشت که این اجرا چه تغییری نسبت به سال‌های دوران پر جرم و دولت اعتدال کرده‌اند.

از سوی دیگر و با نگاهی جامعه‌شناسانه به مقوله مخاطب، تعداد محدود تماشاگران حاضر در سالن «بلخند» که به تماشای نمایش «لوله» علیرضا اجلی نشستند را می‌توان نشانی دانست از فضای کلی هنر نمایش در این میان. انتظار بازگشت روزهای پر رونق گذشته و حضور انبوه و مخاطب انبوه در سالن‌های تئاتر، امری است محال. جالب آن‌که اغلب اجراهای روی صحنه،

محصول وضعیت پیش از جنگ بوده

و با بازتولید اجراهای موفق سال‌های گذشته. به دیگر سخن این وضعیت را می‌شود این‌گونه ادراک کرد که این روزها کسی را امیل تولید تئاتر تازه نیست و گروه‌های حرفه‌ای ترجیح می‌دهند میدان نبرده به توافقی پایدار منتهی شده و حس تعلیق همگانی به پایان برسد.

با توضیح کوتاهی که رفت می‌توان به اجرای نمایش «لوله» پرداخت و نسبت این اثر نمایشی را با واقعیت اینجا و اکنونی ما ایرانیان سنجید. اجرایی که قبل از این در مجموعه تئاتر مولوی و ایرانشهر بر صحنه آمد و نقد و نظرهای متضادی را باعث شد. این نمایش را می‌توان از جنس تئاتر دانشگاهی دانست که رویکردی تجربی به مقوله اجرا دارند. همان فرم‌های کمتر تجربه شده که می‌تواند طلیعه بر آمدن صداهای تازه باشد و نشانه‌ای از گسست زبانشناختی با تئاتر تکراری بدنه. از این باب، علیرضا اجلی را به شهادت چند اجرایی که به انجام رسانده، می‌توان از نسل نوجویان هنر نمایش فرض گرفت و هر کدام از آثارش را از منظری تازه و انتقادی به تماشانش.

قصه نمایش در رابطه با سازمانی است بروکراتیک که با استخدام تعدادی کارگری متخصص، سیستم فاضلاب شهری را سامان داده و به تبع آن، لوله‌های بکار گرفته شده در این باز تولید کارهای گذشته‌اند می‌باشست بی رغب فگفتی و پاکیزگی شان است. از این منظر ژست اجرا، شکلی از آشکار کردن مکانیسم تمامیت‌خواهانه یک سازمان غریض و طولیل و مخوف بوده و به نمایش



toseeirani.ir

گذشتن مواجهه کارگران با دستورات هبران؛ همان دوراهی مقاومت و یا سازش که در طول جهان سرمایه‌داری پدیدار شده است. علیرضا اجلی در مقام نمایشنامه‌نویس، زبانی چند لایه را مد نظر دارد و به فراخور ضرورت کنش‌های صحنه‌ای از جیب داده گاهی به زبانی موزیکال نزدیک شود و گاهی به سکوت و تئاتر بدن. پس می‌توان این فرم هیبریدی را شکلی از نقاط‌گرایی پسمادرن اجسراد رویت‌پذیر کردن موقعیت دراماتیکی دانست که در پی تسیم کردن آن است. اما شوربخانه اجرا در صورتبندی این سازمان مدرن، بیش از اندازه انتزاعی عمل کرده و در دام نمادگرایی محافظه‌کارانه‌ای می‌افتد که در این سال‌ها، به وفور مشاهده

کرده‌ایم. سازمانی که نظم و نسق به نسبت سفت و سختی دارد، چندان که باید برای مخاطب تعریف نشده و بدل به ساختاری فرتاریخی می‌شود که از انضمامی بودن تن می‌زند. گویی اجرا اعداد رد که متعلق به تمامی زمان‌ها و مکان‌های دوران صنعتی است و می‌تواند همه‌شمول باشد که حرفی است گزاف و محل منازعه. نتیجه این شکل از عزمت به‌سوی امر انتزاعی، چیزی نخواهد بود به غیر از ساختن یک وضعیت به اصطلاح کارگری مادر واقع غیر تاریخی و نمادین. به لحاظ اجرایی، بسازی بازیگران ترکیبی است مابین گروه‌تسک دلقک ما به با رگه‌هایی از اکسپرسیونیسم هراس‌آور. ماحصل این رویکرد آزمایشگاهی، صحنه‌هایی است که تماشایی نمی‌آید و مخاطبان را تاحدودی سرگرم می‌کند. این فرم‌های

بدنی، در راستای فضای کارگری و انقیادی که سازمان ایجاد کرده معنا می‌یابد و اجرایی می‌شود. صحنه‌طوری طراحی شده که مغزی برای ورود و خروج شخصیت‌ها ممکن باشد. این منفذ روی دیوار، محلی است از برای اتصال با جهان خارج و سرک کشیدن به جهان زیرین فضایی مهیم که همچون امر واقع لاکانی، سرشار از زوروری است.

بازیگران جوانی چون محمدرضا آریان، یاسمن وفاپی، محمد ابراهیم عبدی، فریزن حاجیلو، شادی صف‌شکن، مهلا رمضان پوره، علی نیاوندی و زهرا شاهدهوست، در این اجرا مستراکت داشته و در خدمت سیاست‌های اجرا. بدن‌هایی که با حرکات مکانیستی و منعطف، شکلی از مقاومت و سازش را به نمایش گذاشته و تمامیت‌خواهی یک سازمان مخوف را آشکار می‌کنند. هماهنگی بازیگران، زبان بدنی که در قبال یکدیگر بکار می‌گیرند

شماره ۲۱۶۷ / پنجشنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۵ / ذوالقعدة ۱۴۴۷ / ۳۰ آوریل ۲۰۲۶



علیرضا اجلی اگر از جهان انتزاعی و گاهی شعاع‌زده متن نمایشنامه‌اش فاصله می‌گرفت و یک جهان انضمامی مدرن را مدنظر می‌داشت، می‌توانست با رویکردی رادیکال تر به بحران لوله‌ها بپردازد و از منظری تازه، با تکیه بر امر تئاتر یکالیت، بدن شهر را بحرانی نشان دهد که دیگر نمی‌تواند به سهولت عمل دفع را انجام دهد و پیکر خویش را از فضولات خلاص کند. دفع به مثابه یک نیاز طبیعی، تمدن در کلیت‌اش را به چالش می‌کشد و مسئله‌ای است همیشگی.

در نهایت می‌توان گفت باز تولید نمایش لوله با تمامی حرف و حدیث‌هایی که می‌توان به لحاظ اجرایی و مضمونی به آن گرفت، امری است مبارک در این زمانه. ارجاعات سیاسی اثر به ساختارهای ناکارآمد در کنار رویت‌پذیر کردن بدن کارگرانی که در آستانه حذف و تعدیل‌اند، حاوی دلالت‌هایی است که نمی‌توان به تعافل از کنارش گذشت. امید که بار دیگر این کارگردان نوجو و تجربه‌گرای تئاتر را با اثری تازه بر صحنه مشاهده کنیم که وضعیت این روزهای ما را با تازاب دهد. به همان ضعف‌ها و قوت‌هایی که شکست با پیروزی را بر رقم می‌زند و یک اجرای تئاتری را به چیزی بیش از خود بدل می‌کنند.

گفت و گو

بسیار کار دشواری است. آن‌هم بیشتر از لحاظ سنگینی هزینه‌ها. ضبط یک قطعه هر نه‌ای زیادی در بر دارد. و گر نه چه کسی دلم می‌خواهد آثاری که نوشته‌در گذشته‌ای خانه بمانند و خاک بخورد و ضبط نشوند؟ فعلا شرایط یاری نمی‌کند که توان ضبط و انتشار باقی آثار را داشته باشم. از قطعاتی که ضبط و منتشر کردم، دو قطعه تکنوازی عود به نام‌های «بژکان» و «فرمیسک» و یک قطعه موسیقی کوتاه که برای تیتراژ پایانی یک فیلم کوتاه نوشته‌ام. این ۳ قطعه در بلنفرم‌های آنلاین موسیقی منتشر شده‌اند. قطعاتی که ضبط شده و هنوز منتشر نشده‌اند، موسیقی تیزر یک نمایشگاه نقاشی است، موسیقی تیتراژ یک برنامه تلویزیونی در رابطه با موضوع یانوان و دیگری قطعه‌ای است مقامی به نام «زبیر» که با همکاری تعدادی از نوازندگان ایران و تر که ضبط شده است. که به دلیل جنگ فعلی انتشار آنان به تعویق افتاده است. در حال حاضر هم مشغول نوشتن موسیقی متن یک فیلم کوتاه هستم.

آیا جشنواره‌های داخلی در مقایسه با رویدادهای خارجی واجد استانداردهای جهانی هستند؟

در رابطه با این سوال، پاسخم خیر است. رویدادهای داخلی استاندارد جهانی ندارند که موسیقی‌دانی خارج از ایران بتوانند در این جشنواره‌ها شرکت کنند. رقابت جهانی نیاز به داور بین‌المللی دارد. آن‌هم در چندین تری موسیقی. نه صرف محدود به موسیقی کلاسیک غربی، و با صرف محدود به موسیقی دستگای ایرانی! اینگونه جشنواره‌ها فقط محدود به یک‌شهر موسیقی در ایران است نه بیشتر. هنوز خیلی فاصله داریم تا بتوانیم به استاندارد جهانی برسیم.

آیا حضور تان در جشنواره‌های خارجی فردی بوده یا گروهی بوده؟

تا به‌الان که بصورت فردی بوده قطعاً در آینده حضور گروهی هم خواهیم داشت. برنامه آینده زیاد است. پله پله به همه آن‌ها خواهیم پرداخت. تیتراژ برای عدم حضور در جشنواره‌های داخلی چیست؟ دلتنا یک دلیل دارد. جشنواره‌های که مربوط به بخش موسیقی و نوازندگی است همه کبی هم هستند و یک تفکر بن بست پشتشان قرار دارد. آنهم بدون چارت اجرایی درست. هر جشنواره‌ای موسیقی شرقی ایرانی هم که رقابتی باشد، اصلا جشنواره‌ای نیست که بگویند شما بیاید خودتان باشید. یک چهارچوب انتخاب می‌کنند که به مثابه ورودی است. و یک چهارچوب برای اجرای‌تهایی ا صرف موسیقی دستگای ایرانی!

همان چهارچوب ردیف دستگای همان چهارچوب آهنگسازی ادر سنسین مختلف فقط دستگاهل، گوشه‌ها و قطعات تفاوت دارند. جشنواره‌ای بر گزار نمی‌شود که بخواهند تقاضای آمک‌برزند که در نوازندگی و آهنگسازی دارای چه سطح از توانایی هستند!؟ همان چهارچوبی که جشنواره‌ها بن بست گیر کرده‌اند در جشنواره بر گزار می‌کنند همه شرکت‌کنندگان کبی هم می‌نوازند همه کبی هم آهنگسازی میکنند! اینگونه جشنواره خلاقیت و پیشرفت را می‌کند و بنده به هیچ عنوان راضی نمی‌شوم در جشنواره‌ای شرکت کنم که مشکلات بنیادی دارد و بخواهد من را هم نسبت به سایرین در حد نوشتن ایده باقی مانده‌اند. تعدادی هم تکمیل شده‌اند و تعدادی دیگر با تنظیم شده‌اند اما می‌توانم بگویم چه تعداد آثاری را منتشر کرده‌ام چون تعدادشان انگشت‌شمارند می‌باشد. دانشگاه‌ها و آکادمی‌های آموزشی گرفته تا جشنواره‌هایی که برگزار می‌شوند.

«این را خودت نوشتی؟» گفتم. بله فقط سری تکان دادند و گفتند آفرین ذوقش را داری. بیشتر بنویس. همین چیز دیگری نگفتند و از آنجا به بعد انگیزه‌ی من چندین برابر شد و این شد یکی بزرگی از آینده من در کنار نوازندگی. آن‌هم آهنگسازی. بعد از آن‌ها از چند گاهی قطعاتی را که می‌نوشم و یا برای اجرا باز تنظیم می‌کرم، به استاد نشان می‌دم که نظرشان را بشنوم. این بود که با گذاشتن در دنیای آهنگسازی برای من آغاز شد.

گروه «سپیان» را چه زمانی تاسیس کردید و تا به امروز چه فعالیت‌هایی داشته‌است؟ معنی این واژه چیست؟

ایده شکل گیری «سپیان» سال ۱۳۹۵ بود که پایه‌گذاری شد. سپیان با هدف پاسداشت و بازآفرینی موسیقی فولکلور و مقامی اقوام ایران و همچنین موسیقی مقامی خاورمیانه شکل گرفت. چون علاقه زیاد بنده به موسیقی کهن و تلاش برای اجرای دقیق این فواصل موسیقی انگیزه‌ی مهمی برای حفظ هویت اصلیل این آثار بوده. اعضا و تعداد نوازندگان در «سپیان» بسته به نوع پر تور و فضای هر اجرا متغیر است؛ تا به این واسطه رنگ آمیزی صوتی متناسب با هر فرهنگ و منطقه به‌بترین شکل بازتاب یابد. «سپیان» فلم کوهی ست در شمال کردستان واقع در کشور ترکیه. در قسمت شمالی دریاچه‌ی وان. «سپیان» فصل اول موسیقی انگیزه‌ی دار د «فغم‌های بدون مرز» و «جنگ‌چامه».

در کدام جشنواره‌های داخلی حضور داشته‌اید و طی این امر، توضیح دهید.

بصورت فردی هیچ‌زمان در جشنواره‌های داخل ایران حضور نداشته‌ام. فقط همراه با گروه بوده‌است. در دو دوره جشنواره صبا که‌زیر نظر دانشگاه هنر تهران برگزار شد. که در هر دوره، گروه ما بعنوان گروه اول در بخش گروه‌وازی موسیقی ایران برگزیده شده است. دوره‌ی اول جشنواره با عنوان «بژبال». دوره‌ی سوم جشنواره با گروه «ناشکیبا». در دوره‌ی سی و پنجم جشنواره فجر هم همراه با گروه «ویانگ» به سرپرستی و آهنگسازی زنده‌یاد خاتم‌نسترن هاشمی شرکت کرده بودیم. در دوره کنسرت تجربی که‌زیر نظر انجمن دانشکده موسیقی تهران و در سالن شهید آوینی دانشگاه بر گزار می‌شد نیز با گروه «ناشکیبا» شرکت کردم.

چه آثاری توسط شما آهنگسازی شده و منتشر شده؟ و چه آثاری را در دست ضبط دارید؟

نمی‌توانم بگویم چند اثر ساختم و چند اثر باز تنظیم کرده‌ام. تعدادشان بسیار است. چون راستش را بخواهید هیچوقت آن‌ها را نشنوردم. بعضی‌ها در حد نوشتن ایده هستند. باقی مانده‌اند. تعدادی هم تکمیل شده‌اند و تعدادی دیگر با تنظیم شده‌اند اما می‌توانم بگویم چه تعداد آثاری را منتشر کرده‌ام چون تعدادشان انگشت‌شمارند می‌باشد. دانشگاه‌ها و آکادمی‌های آموزشی گرفته تا جشنواره‌هایی که برگزار می‌شوند.



محمدحسین خدایی